



دانشگاه مازندران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی با موضوع

دولت و طبقات اجتماعی در ایران پس از انقلاب

اسلامی ۱۹۷۹

استاد راهنما

دکتر محمد فاضلی

استاد مشاور

دکتر احمد رضایی

دانشجو

شاهو رستگاری

شهریور ماه ۱۳۹۹



دانشگاه مازندران

دانشکده علوم انسانی و اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی با موضوع

دولت و طبقات اجتماعی در ایران پس از انقلاب

اسلامی ۱۹۷۹

استاد راهنما

دکتر محمد فاضلی

استاد مشاور

دکتر احمد رضایی

اساتید داور

دکتر حیدر جانعلیزاده

دکتر داوود رضی

دانشجو

شاهو رستگاری

شهریور ماه ۱۳۹۰

تقدیم به

محمد بو عزیز می

جوان بیست و شش ساله تونس که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰، در شهرداری بوزید در اعتراض به مصادره کاری و سنجایی که تنها

منبع درآمدش بود، در ملأعام دست به خودسوزی زد و سلسله جناب جنش های مدنی آزادی خواننده و برابری طلبانه جهان

عرب کردید...

پاسکزاری

بر خود لازم می‌دانم که از تمامی اساتیدم در مقطع کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران که در طی این مدت از راهنمایی‌های خوبشان نهایت استفاده را کردم تقدیر و تشکر به عمل بیاورم.

این پایان نامه را به پدرم، مادرم، خواهرانم، برادرم کامران

و نیز؛

نیما و کارن عزیز

تقدیم می‌نمایم...

چکیده: انقلاب‌های اجتماعی، دارای تاثیرات گوناگونی بر روی ساختار سیاسی-اجتماعی جوامع می‌باشند که این تاثیرات در بسیاری از وجوه، من جمله بحث ساختار طبقاتی و رابطه دولت و طبقات اجتماعی، بارزتر و نمایان‌تر است چرا که اساساً نابرابری‌ها و ترکیب طبقاتی نیروی کار و نیز میزان دسترسی طبقات گوناگون به مناصب اداری و تاثیر-گذاری بر روی تصمیمات دولت، از پارامترهای اساسی در ارزیابی شکست یا موفقیت یک انقلاب در نیل به خواسته-هایش می‌باشند. ما در این تحقیق درصدد بودیم که تاثیرات انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ را بر روی ساختار طبقاتی نیروی کار مورد سنجش قرار دهیم و بدین منظور با عملیاتی کردن مفهوم طبقه با استفاده از سنخ‌بندی نظریه "اریک اولین رایت" که مبتنی بر ماتریس سه وجهی (۱) مالکیت بر وسائل تولید (۲) میزان اقتدار سازمانی (۳) میزان مهارت و صلاحیت‌های فنی؛ می‌باشد، ساختار طبقاتی نیروی کار ایران را با بهره‌گیری از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ایران در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ مورد مذاقه قرار دادیم.

سایت مرکز آمار ایران (که منبع داده‌های تحقیق ما می باشد)، وضع شغلی را در شش دسته تعریف می‌کند: کارفرمایان، کارکنان مستقل، مزد و حقوق بگیران بخش خصوصی، مزد و حقوق بگیران بخش دولتی، کارکنان فامیلی بدون مزد و کسانی که وضعیت شغلی آن‌ها مشخص یا گزارش نشده است.

تحلیل کمی طبقاتی ما از نیروی کار نشان می‌دهد که در دوره پس از انقلاب، به دلیل کارکرد اخلاص‌گر جنگ با عراق، عدم امنیت سرمایه و بحران تولیدی، سهم شیوه تولید سرمایه‌داری و بخش خصوصی در تولید کاهش پیدا کرد و بخش دولتی و خرده‌کالایی افزایش چشمگیری را داشته است. طبقه متوسط از ۵/۴ درصد به ۷ درصد نیروی کار ایران رسید، کارگزاران سیاسی به دلیل نقش گسترده دولت در اقتصاد، از ۸/۳ درصد به ۱۶/۸ درصد افزایش پیدا کردند، خرده بورژوازی نیز به دلیل افزایش تولید خرده‌کالایی در کشور، از ۳۱/۹ درصد به ۳۹/۹ درصد نیروی کار شاغل ارتقاء پیدا کرد. طبقه کارگر نیز به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و عدم تولید، از ۴۰/۲ درصد به ۲۴/۶ درصد تنزل پیدا کرد.

واژگان کلیدی: انقلاب، سرمایه‌داری دولتی، طبقات اجتماعی، بحران پساانقلابی، ساختار نیروی کار

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات.....	۱
۱-۱. مقدمه.....	۱
۱-۲. طرح مسئله.....	۴
۱-۳. اهمیت مسئله.....	۷
۱-۴. روایت تاریخی مسئله.....	۸
۱-۵. روش تحقیق.....	۱۰
۱-۶. محدوده پژوهش.....	۱۲
۱-۷. فرضیه‌های تحقیق.....	۱۲
فصل دوم: پیشینه تحقیق.....	۱۴
۲-۱. آثار داخلی.....	۱۵
۲-۲. آثار خارجی.....	۲۲
۲-۳. جمع بندی.....	۲۶
فصل سوم: مرور ادبیات و مفاهیم نظری.....	۳۰
۳-۱. مقدمه.....	۳۰
۳-۲. طبقه و ساختار طبقاتی.....	۳۲
۳-۳. انقلاب.....	۳۹
۳-۴. چیستی دولت.....	۴۰

- ۳-۵. حسین بشیریه و تقسیم بندی نظریات مارکسیستی دولت و طبقات اجتماعی..... ۴۴
- ۳-۵-۱. نظریه استقلال دولت ۴۴
- ۳-۵-۲. نظریه منطق سرمایه..... ۴۶
- ۳-۵-۳. نظریه مبارزه طبقاتی..... ۴۸
- ۳-۶. نیکولاس پولانزاس (دولت به عنوان جایگاه سلطه طبقاتی)..... ۴۹
- ۳-۷. دولت به عنوان عرصه مبارزه طبقاتی..... ۵۱
- ۳-۸. دولت در ایران..... ۵۴
- ۳-۹. نظریاتی درباره ماهیت دولت در ایران..... ۵۶
- ۳-۹-۱. نظریه استبداد شرقی..... ۵۶
- ۳-۹-۲. نظریه شبه مدرنیسم..... ۶۰
- ۳-۹-۳. نظریه دولت وابسته..... ۶۰
- ۳-۹-۴. نظریه دولت مطلقه..... ۶۱
- ۳-۹-۵. نظریه سلطانیسم..... ۶۱
- ۳-۹-۶. نظریه دولت رانتیر یا تحصیلدار..... ۶۴
- ۳-۱۰. چهارچوب نظری: سرمایه داری دولتی چیست؟..... ۶۹
- ۳-۱۱. مبانی نظری پژوهش..... ۷۷
- ۳-۱۲. مفروضات تئوریک..... ۸۱

۸۴.....	فصل چهارم: روش تحقیق.....
۷۴.....	۱-۴. جامعه شناسی تاریخی.....
۷۷.....	۲-۴. روش تاریخی - تطبیقی.....
۸۸.....	۳-۴. روش های میل.....
۸۹.....	۴-۴. اعتبار تحقیق.....
۹۰.....	۵-۴. متغیرهای تحقیق.....
۹۰.....	۱-۵-۴. متغیر مستقل.....
۹۰.....	۲-۵-۴. متغیر وابسته.....
۹۱.....	۶-۴. روش کار.....
۹۴.....	فصل پنجم: روایت تاریخی و تحلیل داده ها.....
۹۴.....	الف) تحولات اجتماعی - سیاسی ایران.....
۹۵.....	۱-۵. قبل از اصلاحات ارضی.....
۹۶.....	۲-۵. اصلاحات ارضی.....
۹۹.....	۳-۵. ارزیابی اصلاحات ارضی.....
۱۰۲.....	۴-۵. توسعه و انکشاف مناسبات سرمایه داری در ایران.....
۱۰۵.....	۵-۵. دولت و توسعه سرمایه داری دولتی.....
۱۱۳.....	۶-۵. انقلاب ۱۳۵۷.....
۱۱۶.....	۷-۵. تحولات بعد از انقلاب: فرایند شکل گیری جمهوری اسلامی.....

۱۱۹.....	۸-۵. گرایش طبقاتی حزب جمهوری اسلامی.....
۱۲۰.....	۹-۵. نحوه برخورد گرایشات چپ با جمهوری اسلامی.....
۱۲۴.....	۱۰-۵. تحولات پس از انقلاب.....
۱۲۹.....	۱۱-۵. منازعات سیاسی-اقتصادی در درون بلوک قدرت در دهه ۱۳۶۰.....
۱۳۷.....	۱۲-۵. جنگ و بحران پساانقلابی در ایران.....
۱۴۴.....	ب) ساختار طبقاتی جامعه ایران.....
۱۴۶.....	۱۳-۵. منبع داده‌ها.....
۱۴۹.....	۱۴-۵. ترکیب طبقاتی نیروی کار شاغل در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵.....
۱۴۹.....	۱-۱۴-۵. طبقه سرمایه‌دار.....
۱۵۳.....	۲-۱۴-۵. طبقه متوسط.....
۱۵۹.....	۳-۱۴-۵. خرده بورژوازی.....
۱۶۲.....	۴-۱۴-۵. طبقه کارگر.....
۱۶۷.....	۵-۱۴-۵. کارگزاران سیاسی.....
۱۷۱.....	فصل هفتم: بحث و نتیجه گیری.....
۱۷۸.....	مشکلات تحقیق.....
۱۷۹.....	پیشنهاداتی برای آینده.....
۱۸۱.....	منابع و مأخذ.....

فصل اول

کلیات

۱-۱. مقدمه

کمتر انقلابی به سان انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران، با چنان شدتی جهان را تکان داده و سؤالات زیادی بوجود آورده است. سرعت زیاد وقوع این انقلاب برای دانشمندان علوم انسانی بصورت رمز باقی مانده است. ریشه‌های متعدد انقلاب ایران و نیز ماهیت توده‌ای خود انگیخته - اما بسیار هماهنگ - آن نیز به همین ترتیب در پرده ابهام باقی مانده است. اگرچه ادبیاتی رو به رشد بر بسیاری از جنبه‌های این سؤالات و سؤالات مشابه دیگر پرتو افکنده است دانش ما درباره دولت و جامعه در ایران پس از انقلاب و جهت‌گیری حاکمیت درخصوص موضوعات و تحولات داخلی و مناسبات طبقاتی همچنان بسیار ناکافی است.

هدف عمده این تحقیق، تحلیل تحولات بوجود آمده در ساختارهای اجتماعی-اقتصادی ایران پس از انقلاب و بحث درباره سیاستهای حکومت است تا بتوان بر ماهیت و سمت‌گیری دولت و جامعه در جمهوری اسلامی پرتو افکند.

تیلی معتقد است که برای اینکه واقعه‌ای را انقلاب بنامیم باید حداقلی از ترکیب پیامد انقلابی و وضعیت انقلابی وجود داشته باشد. هنگامی وضعیت انقلابی پدید می‌آید که حکومتی پیش از این تحت کنترل جامعه سیاسی واحد و منسجمی قرار داشته، در معرض ادعاهای رقیب دو یا چند جامعه سیاسی قرار گیرد و این وضعیت هنگامی به پایان می‌رسد که یکی از این جوامع سیاسی با برخورداری از وحدت و انسجام و سلطه کنترل حکومت را به دست بگیرد. در صورت پیروزی انقلاب، انتقال قدرت به درجات و شیوه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد که تیلی دو علت را در این تنوع دخیل می‌داند: (۱) میزان تفاوت میان جامعه‌های سیاسی رقیب در وضعیت انقلابی، (۲) امکان شکل‌گیری حکومت انقلابی جدید به دست یک چالشگر یا مدعی واحد و یا ائتلاف محدود یا گسترده‌ای از گروه‌های سازمان یافته (بشیریه، ۱۳۸۷: ۵۸).

با این حال، به نظر می‌رسد که انقلاب‌ها در بلند مدت با توجه به میزان «انتقال قدرتی» که به وجود می‌آورند جهت دگرگونی ساختاری را تغییر می‌دهند. در جایی که انتقال قدرت زیادی در میان طبقات صورت گیرد، ائتلاف خاصی که دستاورد قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، تحول سیاسی بعدی کشور را شکل می‌بخشد. برینگتن مور در مقایسه‌ای میان هند، ژاپن، چین، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، انگلستان، آلمان و روسیه دقیقاً به همین نکته اشاره می‌کند. کودتاهای نظامی - با وجود عدم نوسازی ملی که امروزه در میان آنها مرسوم است - تقریباً هیچ تغییر ساختاری عمده‌ای به وجود نمی‌آورند زیرا آنها به بازآرایی‌های اندکی در میان مجموعه به شدت محدود مدعیان می‌پردازند. استنتاجات بارز این قاعده انقلاب‌های از بالا مانند انقلاب‌های ژاپن و ترکیه هستند که مانع دسترسی سایر همراهان خود به قدرت می‌شوند و ائتلافی با طبقاتی که پیش از این از قدرت محروم شده بودند به وجود می‌آورند (تیلی، ۱۳۸۵: ۳۱۷).

تحت چه شرایطی همراه با انقلاب یا در نتیجه آن تحول ساختاری گسترده صورت می‌گیرد؟ تا آنجایی که مقصود از تحول ساختاری، انتقال قدرت از طبقه‌ای به طبقه دیگر، از حزبی به حزبی دیگر و یا از یک

مدعی به مدعی دیگر باشد، مطمئناً این مطلب قبلاً مورد بررسی قرار گرفته است. اما اگر منظور از آن، توزیع مجدد منابع بیشتر، تغییرات در کیفیت زندگی، شهری شدن، صنعتی شدن یا بازسازی اخلاقی باشد، همه چیز بستگی به مقیاس زمانی‌ای دارد که اتخاذ می‌کنیم (همان: ۳۱۶).

محافظه‌کاران همیشه به سقوط اقتصادی ناشی از انقلاب به عنوان نشانه شکست تمام انقلاب، اشاره می‌کنند. برای مثال در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کمبودها و دشواری‌های اقتصادی ناشی از انقلاب‌های بولیوی، ویتنام و کوبا معمولاً به عنوان گواهی‌دال بر سرنگونی قریب‌الوقوع حکومت‌های انقلابی در این کشورها در نظر گرفته شده است. اما همین پدیده‌های اقتصادی در همه انقلاب‌ها به چشم می‌خورند: کمبود مواد غذایی، سوء مدیریت، شکست در هماهنگ‌سازی طرح‌های تولیدی، ائتلاف منابع و عدم کارایی همگی بخشی از چیزی هستند که تروتسکی آن را «زیان‌های پیشگامی در فراگرد پیشرفت تاریخی» می‌خواند که در هر انقلابی رخ می‌دهند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۴۸).

انقلاب‌های اجتماعی تغییراتی اساسی را در نحوه توزیع ثروت جامعه، صورت‌بندی‌های طبقاتی و شیوه‌های تولیدی، سلسله مراتب قدرت سیاسی، رابطه با نظام جهانی، سیاست خارجی و نیز ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر دولت و جامعه به وجود می‌آورند تا بتوان آن‌ها را، در بستر این تحولات و نیز تعامل با نیروها و کنشگران اجتماعی هر انقلابی مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. در این میان بدیهی است که پس از وقوع هر انقلابی، میزان دسترسی طبقات اجتماعی به منابع اقتصادی جامعه، نقشی تعیین کننده در شکل‌گیری ائتلاف‌ها و بلوک‌های قدرتی دارد که در آینده، تحقق ایده‌های اولیه هر انقلابی را ممکن می‌سازد. این ایده‌ها طیف وسیعی از آرمان‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را - از آزادی‌های مدنی و فرهنگی تا عدالت اقتصادی و اجتماعی - در بر می‌گیرند.

۱-۲. طرح مسئله

انقلاب‌های اجتماعی بطور همزمان تحولات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی را در پی دارند و این تغییرات و تحولات از طریق منازعات سیاسی و اجتماعی شدید که نیروهای طبقاتی در آن نقش کلیدی دارند، اتفاق می‌افتند. انقلاب، طبقات اجتماعی و بنیادهای اجتماعی پیشین را که معمولا انتسابی بودند نابود می‌سازد و تمایزها و شکاف‌های اجتماعی گذشته را از میان بر می‌دارد... شگرف‌ترین دستاورد انقلاب، همین دگرگونی سریع در ارزش‌ها و رویکردهای سیاسی است. توده‌هایی که در گذشته بیرون از نظام سیاسی بوده‌اند، پس از انقلاب، خودشان را متعلق به نظام می‌انگارند، نخبگانی که پیش از این با نظام یکی بوده‌اند، اکنون مطرود نظام شده‌اند (اسکاچپل، ۱۳۷۶: ۲۱). تغییرات سیاسی و اقتصادی واقعی در ساختار طبقات، بخشی از ویژگی‌های یک انقلاب اجتماعی است. انقلاب‌های اجتماعی موفق از ساختارهای کلان و زمینه‌های تاریخی گوناگون به وجود می‌آیند و بیشتر انقلاب‌های ناموفق با تغییرات عمده و اساسی در طبقات اجتماعی همراه نیستند. انقلاب‌های اجتماعی موفق باید با تغییر و تحولات موفق به عنوان یکی از عوامل مهم انقلاب همراه باشد. (همان: ۲۲)

پیامدهای اقتصادی فوری هر انقلابی، تقریبا یکسره منفی‌اند. این منفی بودن پیامدهای انقلاب، تنها نتیجه خشونت و نابودی ناشی از انقلاب نیست. این خشونت‌ها می‌تواند تا اندازه‌ای علت فروپاشیدگی اقتصادی باشند. اما از هم گسیختگی ساختارهای اجتماعی و اقتصادی بیشتر می‌تواند این سقوط اقتصادی را توجیه کند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۸۸).

انقلاب ۱۳۵۷ در ایران ذهن بسیاری از متفکران جامعه‌شناسی و علوم سیاسی را به خود مشغول داشته و هر کدام با توجه به رویکردهای مورد علاقه خود به تبیین و چرایی وقوع انقلاب ایران پرداخته‌اند. در بین مطالعات و تحقیق‌های صورت گرفته کمتر تحقیق یا پژوهشی به بررسی تاثیرات ساختاری انقلاب ۱۳۵۷

ایران پرداخته است. سوال‌هایی که در اینجا مطرح می‌شوند این است که تاثیر انقلاب ایران بر ساختارهای اقتصادی جامعه چه بوده است؟ دولت بعد از انقلاب در چه مسیرهایی قرار گرفت و چگونه در هم تنیدگی بخش‌های اقتصادی و سیاسی در ارتباط با تحولات نظام جهانی می‌تواند توضیحی مکفی برای تغییرات احتمالی ساختار طبقاتی ارائه دهد؟

ما در این تحقیق درصدد هستیم که تاثیرات انقلاب ۱۳۵۷ را بر رابطه دولت و طبقات اجتماعی بررسی کنیم. سه متغیر اساسی در این تحلیل عبارتند از: انقلاب، دولت و طبقه. در ابتدا پدیده انقلاب را بصورت خلاصه توضیح می‌دهیم و در مرحله بعدی به نظریات دولت و طبقه‌بندی آنها می‌رسیم و از بین نظریات گوناگون مربوط به تبیین دولت در ایران، به تشریح نظریه اصلی و چهارچوب نظری تحقیق که ایده «سرمایه‌داری دولتی» است می‌پردازیم. در بخش سوم باید مفهوم «طبقه» را واکاوی کرده و بصورت عینی‌تر و تجربی‌تر آن را در تحلیل خود به کار ببریم. سپس به بررسی رابطه دولت و طبقات اجتماعی در جامعه ایران خواهیم پرداخت. بدین منظور ابتدا ساختار طبقاتی و صورت‌بندی‌های اجتماعی - سیاسی مشتق شده از این روابط تولیدی (به عنوان متغیر وابسته) را از دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ تشریح می‌کنیم. در مرحله بعد تاثیر انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ (به عنوان متغیر مستقل) را بر روی ساختار طبقاتی جامعه ایران در فاصله ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ (رحلت آیت‌الله خمینی (ره) و پایان جنگ) بررسی می‌کنیم.

پروبلماتیک مسئله از نظر بنده، این است که اساساً با بررسی ساختار طبقاتی جامعه، تا حدودی می‌توانیم به ماهیت نیروهای اجتماعی جامعه پی ببریم و بدانیم که هر کدام از این تحولات، به مثابه گام‌هایی اساسی در حیات جامعه ایران، چه نقشی را در درون این بستر ایفاء کرده اند و با ارزیابی دقیق و علمی این تحولات، بتوانیم حداقل از بروز پیامدهای ناخواسته و نامطلوب آن با در نظر گرفتن خصوصیات و شرایط خاص جامعه، جلوگیری نماییم. تضاد طبقاتی در درون هر جامعه‌ای اساساً به عنوان یک " وضعیت نامطلوب "

نگریسته می‌شود و شرط اساسی رفع هر مشکلی، داشتن شناختی دقیق از مختصات آن می‌باشد. انقلاب سال ۱۳۵۷ به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات جامعه ایران در نیل به دموکراسی و توسعه، می‌بایست بیش از پیش مورد توجه محققان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی قرارگیرد چرا که اساسا خواسته‌های کلیدی به نام "جامعه ایران"، منوط به پیش‌برد اهداف و آرمان‌های اساسی انقلاب می‌باشد و یکی از این اهداف، همانا عدالت اقتصادی و داشتن سطح به نسبت یکسانی از توزیع ثروت جامعه در بین طبقات گوناگون می‌باشد و برای رسیدن به این امر، داشتن شناختی دقیق از ساختار طبقاتی نیروی کار در ایران، لازم می‌باشد.

اساسا یکی از علل وقوع انقلاب ایران، توزیع نابرابر ثروت مادی جامعه در بین اقشار و طبقات اجتماعی گوناگون بود و نقش تضادهای طبقاتی در تسریع آتش انقلاب انکارناپذیر می‌باشد. با توجه به این امر می‌توان از پروبلماتیک اساسی حاکم بر کنش عاملان اجتماعی این پروسه را تدقیق کرد و با ترسیم خطوط اصلی و گره‌های بنیادین مختصات نیروی کار در ایران، نقش هر کدام را با توجه به کمیت‌اش در معادلات سیاسی آن زمان، شاکله بندی کرد.

یکی دیگر از مباحث مرتبط با ساختار طبقاتی جامعه، بحث مربوط به نقش توزیع ثروت در بازتولید الگوهای کنش سیاسی قومیت‌ها می‌باشد. کنش‌های قومی در درون مرزهای ملی یک جغرافیای سیاسی مشخص، می‌تواند در درون بستر و زمینه تضادهای طبقاتی حاکم بر آن‌ها شرح داده شود. وجود قومیت‌های گوناگون در ایران اگر با یک نوع نگاه اعتدال‌گرایانه در نحوه توزیع جامعه بدون هیچ‌گونه تبعیضی ترکیب گردد، نه تنها مشکلی را پیش نمی‌آورد بلکه می‌تواند به عنوان یک امتیاز مثبت در چارچوب بحث‌های توسعه کلان کشور برجسته شود تا از بروز بسیاری از نارسایی‌های سازمانی - سیاسی در تعارض با پیش - شرط‌های یک جامعه انسانی مبتنی بر اصول دموکراتیک و تساهل مدنی، جلوگیری به عمل آورد و در این راستا شناخت تغییر و تحولات دولت و طبقات در ایران لازم و ضروری است.

از چند جهت می‌توان به اهمیت مسئله بررسی تغییرات دولت و طبقات اجتماعی در دوره پس از انقلاب تا سال ۱۹۸۹ پی برد. از منظر تئوریک، در ادبیات مربوط به انقلاب ایران بیشتر بر نقش دولت و طبقات اجتماعی، گروه‌های سیاسی، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی مردم در بروز و ایجاد انقلاب تأکید شده است. ولی مساله تاثیرات ساختاری انقلاب کمتر بررسی شده است. جای این بحث خالی است که ماهیت دولت پس از انقلاب چه تغییری کرده است؟ بافت طبقاتی دولت بعد از انقلاب چگونه بوده است؟ ساختار طبقاتی جامعه ایران بر اثر انقلاب و بحرانها و مشکلات بعد از آن چگونه تغییر کرده است؟ اهمیت مسئله به نظر نگارنده این است که بتوانیم تحولات ریشه‌ای و پایه‌ای را که در سالهای بعد از انقلاب شکل گرفته‌اند واکاوی کنیم چرا که «بینش‌های نظری جامعه‌شناسی تاریخی دال بر آن هستند که میراث گذشته در آینده تاثیرگذار است و به عبارتی تحلیل جریان رخدادها به گونه‌ای که در طی سه دهه بروز کرده می‌تواند توضیحی برای رخدادهای بعدی که امروز بر جامعه ایران حاکم هستند را فراهم آورد» (فاضلی: ۱۳۸۶: ۱۲).

از منظر کاربردی، با بررسی مسیر این تحولات می‌توانیم متن و بستر شکل‌گیری جدالها و منازعات سیاسی - اجتماعی گروه‌های موجود در جامعه را بطور مستدل شاکله‌بندی کرده و درک کنیم که به عنوان مثال پایه‌های مادی و عینی شکل‌گیری توسعه پایدار در جامعه ایرانی منوط به چه پیش شرط‌هایی است؟ رابطه دولت و طبقات اجتماعی چگونه می‌تواند الگوی مناسبی را در جهت تحلیل توسعه‌نیافتگی اقتصادی - سیاسی کشور ارائه دهد؟ تغییرات ساختار تولیدی و به تبع آن ساختار طبقاتی جمعیت نیروی کار چه ما به ازای سیاسی در هیات حاکمه داشته است؟ شکل‌گیری یک پیکربندی سیاسی و بلوک قدرت بدون شک مستلزم حضور مادی و عینی طبقاتی است که از استقرار آن مناسبات منتفع می‌شوند. به عبارتی دیگر هر رژیم انباشتی یک مکانیسم تنظیمی دارد که با استفاده از آن می‌توان شیوه‌های تولید ارزش اضافی، رابطه

شیوه‌های تولید سرمایه‌دارانه و غیرسرمایه‌دارانه، تکنولوژی تولیدی، اشکال بازتولید نیروی کار، هنجارهای مصرفی، گسترش سرمایه، رابطه بخش‌های عرصه اقتصادی و رابطه اقتصاد ملی و بازار جهانی را استنتاج نمود.

۴-۱. روایت تاریخی مسئله

فرد هالیدی متخصص در تاریخ تحولات اجتماعی - سیاسی خاورمیانه مختصات انقلاب ایران را این چنین بیان می کند:

« وقایع دو ماه گذشته را می توان بحق انقلاب نامید. این انقلاب مسلما یک انقلاب سوسیالیستی نبود زیرا خصلت طبقاتی آن، ایدئولوژی آن و دستاوردهای آن هیچ کدام اعطای چنین عنوانی را میسر نمی سازند. این انقلاب را حتی یک انقلاب اجتماعی نیز نمی توان نامگذاری کرد زیرا در برنامه آیت الله خمینی و سیاست های دولت بازرگان از هیچ گونه دگرگونی اساسی در مالکیت وسائل تولیدی در ایران خبری نیست و منشاء اجتماعی و در واقع ارتباطات خانوادگی بسیاری از افراد در دولت جدید با منشاء اجتماعی مقامات سابق مشابه است (هالیدی، ۱۳۵۶: ۳۱۷).

دولت جدید با درخواستهای کنترل کارگران در کارخانه ها مخالفت کرد و بسرعت سرگرم تجدید سازمان ارتش شد اما از آن جا که سازمان و تشکیلات و سرمایه بخش مذهبی جنبش از طریق تجار بازار تامین می شود، باید گفت که حمایت خرده بورژوازی از رژیم جدید بسیار نیرومندتر از رژیم شاه است ولی این مساله در حال حاضر بیشتر بصورت ورود خرده بورژوازی در دستگاه دولت است و لزوما به معنای انتقال قدرت از بورژوازی به خرده بورژوازی نیست (همان: ۳۱۸) اما حوادثی را که در ایران رخ داده است می توان مطلقا یک انقلاب سیاسی نامگذاری کرد. به عبارت دیگر، انقلاب ایران گرفتن خشونت آمیز قدرت از

یک بخش طبقه حاکم و انتقال آن به بخش دیگر بوده است. این انتقال قدرت از طریق بسیج توده‌ای، همه جاگیر ملت میسر شد و به همین دلیل به رهبری جنبش مخالف اجازه نداد که فوراً و بسادگی قدرت خود را تحکیم بخشد. سرنوشت انقلاب ایران، و بویژه دامنه تبدیل این انقلاب سیاسی به یک انقلاب اجتماعی، به روابط آتی میان نیروهای طبقاتی مختلف که در ائتلاف بزرگ سرنگون کننده رژیم شاه شرکت داشته اند، بستگی دارد (همان: ۳۱۸).

در طول این دوران اقتصاد ایران در معرض آشوب‌ها، ناآرامی‌ها و تکانه‌های بزرگ داخلی و خارجی بوده است که عبارتند از اثرات اولیه اختلالات ناشی از خود انقلاب، هشت سال جنگ با عراق، تحریم‌های مالی و اقتصادی جاری توسط ایالات متحده و گاه بیگانه توسط برخی کشورهای اروپایی، بی ثباتی قیمت نفت خام در سطح بین‌المللی و وضع عدم اطمینانی که با چرخش‌های ناگهانی از نظام نرخ شناور به نرخ ثابت ارز، از سیاست‌های تجارت خارجی بسته به باز و از مالکیت خصوصی به مالکیت دولتی بنگاه‌ها و برعکس پیش آمده و اجرای سیاست‌های پولی، ارزی و تجاری را در بر گرفته است از جمله عوامل موثر بر اقتصاد ایران در این دوران می‌باشد (پسران، ۱۳۷۸: ۲).

در جنبش انقلابی مردم ایران، حقوق مالکیت و سرمایه به دلیل «زیاده از حد بودن» بهره‌مندی از همکاری نزدیک با رژیم پیشین، یا وابستگی به سرمایه خارجی مورد حمله قرار گرفت. عدم مشروعیت مالکیت و سرمایه، به لحاظ ناروشنی در تعاریف آنها، در جاها و شرایط مختلف به ملاکی نسبی تبدیل شد. با سقوط رژیم پیشین، دولت قادر نیست از حقوق مالکیت دفاع کند و فرایند انباشت را تسهیل نماید. این بحران ادامه می‌یابد تا اینکه دولت تمام و کمال مستقر شود، نظم اقتصادی برپا شود و فرایند تولید و انباشت بدون وقفه از سر گرفته شود. تعریف و استقرار نظم نوین اقتصادی خود دستمایه مبارزه شدید سیاسی در میان طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود که در پی منافع خاص خود می‌باشند. جریان حل این

کشمکش ها و خصلت دولت و نظم اقتصادی که از این مبارزه حاصل می‌شود صرف نظر از اهمیت تاثیر عوامل بیرونی، به آرایش سیاسی و اتحادهای طبقاتی مختلف بستگی دارد (بهداد، ۱۳۸۷: ۲۵).

۱-۵. روش تحقیق

این که کدام یک از روش‌ها برای یک مطالعه خاص بهترین روش است، بستگی به شیوه تعریف مساله و تدوین فرضیه دارد. یک مساله کلی را غالبا به چند روش می‌توان مورد بررسی قرار داد. انتخاب روش انجام تحقیق بستگی به هدفها و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد. جامعه شناسی تاریخی صرفا فهرستی از رویدادهای تاریخی نیست، بلکه گزارشی واقعی و یکپارچه روابط میان اشخاص، رویدادها، زمانها و مکانهاست. ما تاریخ را برای شناختن گذشته بکار می‌بریم و با استفاده از آن می‌کوشیم زمان حال را در پرتو رویدادها و تحولات گذشته بشناسیم. تجزیه و تحلیل تاریخی ممکن است به یک فرد، یک عقیده، یک جنبش، یا یک نهاد معطوف باشد با وجود این هیچ‌کدام از موضوعات را نمی‌توان به طور مجزا و به تنهایی مطالعه کرد (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

گرفین ماهیت جامعه‌شناسی تاریخی را استفاده از داده‌های مربوط به گذشته نمی‌داند بلکه "جامعه شناسی تاریخی" استفاده از روایت برای آزمودن و کشف زمانمندی کنش اجتماعی و رخدادهای تاریخی است. روایت نه جانشین کردن کلمات به جای ارقام یا پیچیدگی به جای فرمول‌های صوری، بلکه تصویرکردن پدیده اجتماعی به مثابه امری دارای ترتیب زمانی، متوالی، روبه شکوفایی و داستان‌های بی‌انتها و مشحون از انتخاب‌ها و مشروط بودن است (گرفین ۱۹۹۲: ۴۰۵؛ به نقل از فاضلی: ۱۳۸۶، ۱۱۸).

هر تحقیق جامعه‌شناسی در راستای تبیین پدیده‌های اجتماعی، یافته‌های تئوریک و تجربی خود را باید در درون چهارچوبی نظری از مفاهیم و قضایای یک نظام صوری سازمان‌دهی کند تا بتواند با تعریف عملیاتی

متغیرهای مستقل و وابسته، شرایط را برای اثبات یا رد اعتبار گزاره های منطقی مورد ادعایش فراهم کند. چهارچوب نظری در تحلیل اجتماعی - اقتصادی باید مرکز ثقل تئوریک خود را بر پایه مدلی قرار دهد که به کمک آن بتواند آن مکانیسمی را کشف کند که «چگونگی» و «چرایی» وقوع یک سری پدیده‌های اجتماعی را در درون توالی منطقی اجزای کل بیابد که خود مبتنی بر مبانی منطقی و مکانیسمی است که با تشریح الگوهای متعدد، روابط استنتاج شده را تفسیر و تبیین می‌کند. کفایت نظری و اعتبار تجربی هر تحقیقی مستلزم ایجاد مدل نظری و تجربی بخصوصی است که روایت تاریخی را با گزاره‌های استدلالی و آرایه‌های اثباتی طرح نظری پیوند بزند. ما در این پژوهش برای پاسخ به چستی تغییرات ساختار طبقاتی جامعه ایران از داده‌ها و آمارهای سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن استفاده می‌کنیم.

سرشماری ده ساله نفوس و مسکن ایران برای سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۵۵ توسط مرکز آمار ایران طبقه‌بندی نسبتاً یکدستی از اشتغال در فعالیت‌ها و مشاغل مختلف اقتصادی برای کشور فراهم می‌کند. دوره زمانی این دو سرشماری با محدوده دو دوره در مطالعه ما تطبیق می‌کند. سرشماری دهه ۱۳۵۵ آرایش کلی جمعیت ایران را در اوج انقلاب سفید محمدرضا شاه در بحبوحه افزایش درآمد نفتی آن سال‌ها نشان می‌دهد. سرشماری سال ۱۳۶۵، از طرفی دیگر، این شرایط را در دوران جنگ، که بر اثر کاهش شدید قیمت نفت در جهان وخیم‌تر شده بود نشان می‌دهد. مقایسه آمار در این دو سال میزان تغییرات را در دوره اولیه پس از انقلاب برجسته می‌کند.

فعالیت‌های اقتصادی به کشاورزی، معادن (از جمله نفت خام و گاز طبیعی)، تولید صنعتی، خدمات عمومی (آب و برق و گاز)، ساختمان، خدمات (شامل دستگاه اداری و سازمان‌های دفاعی علاوه بر «خدمات» معمولی)، و فعالیت‌هایی که تعریف یا گزارش نشده‌اند تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی وضع شغلی در سرشماری ایران بر اساس «طبقه‌بندی بین‌المللی وضع شغلی» است که از سازمان بین‌المللی کار اقتباس